

بیشتر می‌شود و می‌توان نظارت بیشتری کرد، در عرصه‌های دیگر شفافیت هم می‌توان به ماشینی شدن امور اشاره کرد که در سیستم یکپارچه شهرسازی پیاده کردیم، الان پروانه ساختمانی را مردم در منزل می‌توانند، پیگیری کنند، در حالی که به علت عدم آگاهی مردم از قوانین، در مراجعه حضوری، افرادی هستند که سوءاستفاده می‌کنند، اینجاست که باب فساد باز می‌شود.

■ اولویت‌بندی عرصه‌هایی که بایستی شفافیت و فساد ستیزی را پیاده کرد، چگونه است؟

مهم‌ترین عرصه نظام درآمدی است، در نظام درآمدی یک نگاه این بوده که شهرداری به فلان قدر درآمد باید برسد اما محل آن نامعلوم بود، برای همین شهرداران مناطق مکلف می‌شوند که این درآمدها را تحصیل کنند و اگر هم نمی‌توانستند کارانه‌شان را دریافت نمی‌کنند یا تشویق نمی‌شوند یا حتی برکنار می‌شوند، نتیجه آن رایج شدن فروش تراکم بود، گفتند بروید تخلف کنید و بعد پولش را پرداخت کنید؛ در این میان افرادی پیدا شدند که به عنوان دلال مدعی شدند با کمترین هزینه‌ها این کار را برای شما انجام می‌دهیم، از این طریق بود که باب فساد، رشوه و ارتباطات در مدیریت شهری باز شد، وقتی یک موضوع هم رایج شد، برخورد با آن سخت می‌شود؛ آن به خاطر فروش تراکم، برج‌سازی‌هایی می‌بینیم که آسایش مردم و شهر را سلب کرده‌اند.

ما نظام درآمدی را از نگاه صرفاً درآمدی و این که درآمد اصل باشد، خارج کردیم و به سمت رفاه و آسایش مردم برگردانیم، در نظام درآمد پایدار، مردم به هر میزان که برای شهر و شهروندان عارضه ایجاد می‌کنند، باید عوارض را پرداخت کنند. به هر حال بایستی نظام درآمدی به گونه‌ای باشد که جرائم تخلفات را آن قدر سنگین کنیم که کسی به فکر روی آوردن به تخلف نیفتد، حمل‌ونقل را به گونه‌ای ایجاد کنیم که مردم احساس نیاز به استفاده از لوازم شخصی پیدا نکنند، آن وقت می‌توانیم عوارض خودرو را بسیار بالا ببریم.

اولویت دیگر نظام بودجه‌ریزی است، در یک برنامه‌ریزی شش‌ساله، دنبال تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی هستیم که تقریباً سه سال از آن هم گذشته است، بودجه‌ریزی عملیاتی در شفاف‌سازی نقش بسیار مهمی دارد؛ بودجه‌ریزی عملیاتی هم یعنی قیمت تمام‌شده کار در هر حوزه مشخص، مثلاً قیمت آسفالت، هر کیلومتر جدول‌گذاری، ایجاد هر مترمربع فضای سبز، در نتیجه وقتی بودجه تنظیم و اجرا می‌شود، پروژه قابل کنترل کردن است با الان شورای مهندسی ارزش را برای همه پروژه‌های بالای پنج میلیارد تومان الزامی کرده‌ایم، وقتی مهندسی ارزش می‌شود، یعنی ابعاد هزینه‌ای در اجرایی هر پروژه مشخص می‌شود.

■ سه سال از برنامه شما درباره بودجه عملیاتی می‌گذرد، آیا تابه‌حال به خوبی اجرا شده است؟

هنوز به طور کامل تمام نشده است، بودجه عملیاتی برای تحقق به یک زنجیره نیاز دارد، مثلاً نیاز به یک حسابداری تعهدی دارد و باید سیستم حسابداری فعلی عوض شود، البته همین جا بگویم از لحاظ بودجه عملیاتی در بین تمام دستگاه‌های کشور، در سال جاری شهرداری مشهد به عنوان بهترین انتخاب شد، بنابراین کارهای خوبی در شهرداری صورت گرفته و شورا هم دنبال می‌کند. بودجه ۹۳ که در سال ۹۲ در شورای قبلی تصویب شد، یک بودجه ۹۵۰۰ میلیارد تومانی بود، وقتی ما به شورای چهارم ورود پیدا کردیم مشخص شد که این بودجه، یک بودجه شفاف نیست، همان جا جلوی گرفتار شدن و اصلاح متمم بودجه زده شد و بودجه را به ۵ هزار میلیارد تومان کاهش دادیم که همان هم محقق نشد؛ شفاف‌سازی و جلوگیری از فساد یعنی همین چیزها، حسابداری تعهدی در ایران سابقه زیادی ندارد، حسابداری فعلی در مواد ۲۰ گانه ابلاغی دولت و در چهار فصل است اما در حسابداری تعهدی فقط قیمت تمام‌شده

که اگر به موقع خودش اجرا می‌شد، این مبلغ می‌توانست به حوزه‌هایی مثل حاشیه شهر، حمل‌ونقل عمومی و ترافیک اختصاص داده شود. فساد در ذهن ما موارد مذموم است اما هرگونه خرابی خودش فساد است، حتماً کسی که نباید دزدی کند یا رشوه بگیرد، اگر پروژه‌ای در زمان خودش و با کیفیت استاندارد انجام نشود، این هم فساد است و شفافیت بایستی در همین چیزها باشد.

■ دلیل بروز چنین خرابی‌ها در مدیریت شهری و راه برخورد با آن چیست؟

علتش نبود نظارت به موقع و کافی است، اگر سیستم نظارتی را به موقع انجام بدهیم و هشدارهای لازم را بدهیم و برخوردهای لازم با مدیران متخلف انجام شود، با آن‌ها مامشات نکنیم و سفارش نپذیریم، قطعاً جلوی این خسارت‌ها گرفته می‌شود، این یک مورد اجرایی است، موارد در پروژه‌های عمرانی می‌تواند بیشتر از این باشد. ما اگر بخواهیم در حوزه نیروی انسانی، در هر رده‌ای چه مدیر، چه کارشناس و چه کارمند به تخلفات بپردازیم، یک بخش این است که نیروی ما باید هم متعهد، هم متخصص باشد و هم زندگی‌اش تأمین شود اما الان با جمعیت ۱۰ هزار نفری در شهرداری مشهد مواجه هستیم.

■ اتفاقاً آمار دقیقی هم از تعداد نیروهای شهرداری نیست، این خودش به نوعی عدم شفافیت هست.

در شهرداری مشهد رقم همین حدود ۱۰ هزار نفر است، در کشور آمار یک مشکل است، شاید آمار امروزمان با فردایمان متفاوت باشد، حتی در تحلیل هم ممکن است دچار اشتباه بشویم، مثلاً این نیروها که رقمش را می‌گویم رسمی‌اند، پیمانی‌اند، خدماتی‌اند یا شرکتی؛ اگر با واگذاری تصدی‌گری می‌توانیم با حداقل نیرو یعنی ۴ یا ۵ هزار نفر و حتی کمتر کار را به نحو شایسته‌تر انجام داد، البته انعکاس این صحبت این نیست که شاغلان و خانواده‌هایشان بلا تکلیف می‌شوند، این هم راه دارد، ما این را اجرا و تجربه کرده‌ایم و با حفظ کرامت و شرایط اقتصادی افراد یک سازمان چابک و کوچک چالاک به وجود آورده‌ایم، در چنین شرایطی می‌توان در موضوعات حاکمیتی ورود پیدا کرد نه موضوعات تصدی‌گری، از این طریق هم هزینه‌مان کاهش پیدا می‌کند و هم درکمان بیشتر می‌شود.

■ این مسئله چه تأثیری بر شفاف‌سازی و فساد ستیزی در

شهرداری‌ها خواهد داشت؟ اگر کار تصدی‌گری را واگذار کنیم، شفافیت

فساد در ذهن ما موارد مذموم است اما هرگونه خرابی خودش فساد است، حتماً کسی که نباید دزدی کند یا رشوه بگیرد، اگر پروژه‌ای در زمان خودش و با کیفیت استاندارد انجام نشود، این هم فساد است و شفافیت بایستی در همین چیزها باشد